MEJDS. 2025; 15:106.

Published online 2025 Dec. **Original Article**

Analysis of the Lived Experiences of Adolescent Girls After Parental Divorce

Soltaninejad M[1], *Fallah Yakhdani MH[2], Vaziri S[3], Dehghan Manshadi M[4]

Author Address
1. PhD Student in Counseling, Department of Psychology and Counseling, Ya. C., Islamic Azad University, Yazd, Iran;
2. Associate Professor, Department of Psychology and Educational Sciences, Ya. C., Islamic Azad University, Yazd, Iran;
3. Assistant Professor, Department of Psychology and Educational Sciences, Ya. C., Islamic Azad University, Yazd, Iran;
4. Assistant Professor, Department of Counseling, Ya. C., Islamic Azad University, Yazd, Iran.
***Corresponding Author E-mail:** fallahyazd@iau.ac.ir

Received: 2025 October 14; **Accepted:** 2025 December 1

Abstract

Background & Objectives: Divorce is one of the most significant structural changes in the family, with profound consequences across various aspects of children's lives. Adolescent girls, due to their unique developmental characteristics, are particularly vulnerable to the outcomes of parental divorce. Studies have shown that the effects of divorce on adolescents, especially girls, can be extensive and impactful. However, a deeper understanding of these consequences requires listening to the adolescents' own voices and examining their lived experiences. This study aimed to provide a more authentic portrayal of life after divorce through the personal narratives of adolescent girls. The majority of previous research has focused on general variables such as depression, anxiety, or academic decline. The subtle and significant dimensions of adolescents' lives in divorced families have received less attention. Identifying these lived experiences can facilitate the development of effective supportive interventions to mitigate the negative impacts of divorce. Accordingly, the present study employed a phenomenological approach to represent the reality of divorce through the voices and lived experiences of adolescent girls. The objective was to explore the lived experiences of adolescent girls from divorced families in Yazd City, Iran.

Methods: This qualitative study employed a descriptive–phenomenological approach. The study population included adolescent girls with parental divorce experience in Yazd, selected through purposive sampling. Data saturation was achieved with 16 participants. The criteria for participants to enter the study were as follows: at least 3 years since parental divorce; between 13 and 15 years of age; a junior high school student; and willing to participate in the study. The criteria for participants to leave the study included unwillingness to continue participating. A semi–structured interview was used to collect data. The interviews were conducted in the school counseling room. The interviews lasted approximately 30 to 50 minutes. To conduct the interviews, the main research question and several general questions were first posed, and while answering these questions, new questions were generated and asked. The adolescents were selected from among the children of school divorces. After explaining the objectives of the study and obtaining their written consent, the interviews were conducted with privacy and confidentiality in mind. Data were collected through semi–structured interviews and analyzed using Colaizzi's 7–step method. To ensure the study's trustworthiness, four criteria were applied: credibility, dependability, confirmability, and transferability.

Results: The interview analysis yielded 20 concepts, 8 subthemes, and 3 main themes. Findings indicated that adolescent girls from divorced families face multiple challenges in 3 primary domains: intrapersonal (cognitive, emotional, and behavioral), interpersonal (relationships with parents, relatives, and peers), and economic (financial difficulties, employment). Cognitive challenges included identity confusion, low self–confidence and self–esteem, and rumination. Emotional challenges comprised feelings of shame, guilt, resentment, loneliness, and emotional emptiness. Behavioral challenges involved engaging in relationships with the opposite sex and assuming parental roles. Challenges related to parents included confusion due to parental conflicts, insufficient attention to children's futures, and reduced parental supervision. Relatives–related challenges involved interference from close relatives and loss of some social bonds. Peer–related challenges included difficulties in forming stable friendships. Economic challenges encompassed a lack of financial support, work pressures on adolescents, and out–of–home employment. These findings, consistent with previous studies, provide a deeper understanding of the multidimensional consequences of divorce for adolescent girls. The study extensively explored the experiences and challenges of girls with divorced parents. It is recommended that future research focus specifically on each of these challenges and develop tailored supportive intervention packages.

Conclusion: According to the findings, adolescent girls who experience parental divorce face multiple challenges across 3 main domains: intrapersonal, interpersonal, and economic. These challenges lead to a deeper understanding of the multidimensional consequences of divorce in adolescent girls; also, recognition and awareness of the aforementioned challenges can facilitate intervention and empowerment of this vulnerable group.

Keywords: Parental divorce, Lived experience, Adolescents, Qualitative research.

Copyright © 2025, MEJDS. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License (http://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/) which permits copy and redistribute the material just in noncommercial usages, provided the original work is properly cited.

مجله مطالعات ناتوانی ۱۴۰۴؛ (۱۵):۱۰۶.

انتشار برخط آذر ۱۴۰۴ مقاله پژوهشی اصیل

واکاوی تجارب زیستهٔ دختران نوجوان پس از طلاق والدین

محدثه سلطانی‌نژاد[۱]، *محمدحسین فلاح یخدانی[۲]، سعید وزیری[۳]، ماریه دهقان منشادی[۴]

توضیحات نویسندگان

۱. دانشجوی دکتری مشاوره، گروه روان‌شناسی و مشاوره، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران؛

۲. دانشیار گروه روان‌شناسی و علوم تربیتی، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران؛

۳. استادیار گروه روان‌شناسی و علوم تربیتی، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران؛

۴. استادیار گروه مشاوره، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران.

***رایانامهٔ نویسندهٔ مسئول:** fallahyazd@iau.ac.ir

تاریخ دریافت: ۲۲ مهر۱۴۰۴؛ **تاریخ پذیرش:** ۱۰آذر۱۴۰۴

چکیده

زمینه و هدف: طلاق از تحولات ساختاری بسیار مهم در خانواده است که می‌تواند ابعاد مختلف زندگی فرزندان را تحت‌تأثیر قرار دهد. دختران نوجوان به‌دلیل ویژگی‌های رشدی خاص، دربرابر پیامدهای طلاق آسیب‌پذیرتر هستند. هدف پژوهش حاضر، واکاوی تجارب زیستهٔ دختران نوجوان در خانواده‌های طلاق شهر یزد بود.

روش‌بررسی: روش این پژوهش، کیفی از نوع پدیدارشناسی توصیفی بود. جامعهٔ آماری را دختران نوجوان دارای تجربهٔ طلاق والدین در شهر یزد تشکیل دادند که به‌روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. حجم نمونه با شانزده نفر به‌اشباع رسید. داده‌ها ازطریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته گردآوری شد و با مراحل هفت‌گانهٔ کلایزی تحلیل شد.

یافته‌ها: نتایج تحلیل مصاحبه‌ها به استخراج بیست مفهوم و هشت مضمون فرعی و سه مضمون اصلی منجر شد. براساس نتایج، دختران نوجوان در خانواده‌های طلاق با چالش‌های متعددی در سهٔ حوزه اصلی مواجه هستند: چالش‌های درون‌فردی (شناختی، هیجانی، رفتاری)؛ چالش‌های بین‌فردی (ارتباط با خانواده، فامیل، دوستان)؛ چالش‌های اقتصادی (مشکل مالی، داشتن شغل).

نتیجه‌گیری: طلاق پیامدهای منفی متعددی همچون چالش‌های درون‌فردی، چالش‌های بین‌فردی و چالش‌های اقتصادی برای دختران نوجوان دارد. این چالش‌ها سبب درک عمیق‌تری از پیامدهای چندبُعدی طلاق در دختران نوجوان می‌شود؛ همچنین شناخت و آگاهی از چالش‌های مذکور می‌تواند مداخله و توانمندسازی این قشر آسیب‌پذیر را تسهیل کند.

کلیدواژه‌ها: طلاق والدین، تجربهٔ زیسته، نوجوانان، روش کیفی.

حق انتشار محفوظ است © ۱۴۰۴، مجله مطالعات ناتوانی. این یک مقاله با دسترسی آزاد است که تحت مجوز اختیار_غیرتجاری ۴/۰ بین‌المللی (https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/deed.fa) منتشر شده است که به شما اجازه می‌دهد که مواد منتشر شده در این مقاله را با شرط ارجاع مناسب به نسخهٔ اصلی، به‌طور غیرتجاری نسخه‌برداری و توزیع کنید.

۱ مقدمه

خانواده همواره بستر اصلی رشد هیجانی و اجتماعی و هویتی فرزندان شناخته شده است. طلاق به‌عنوان تحولی ساختاری در نظام خانواده می‌تواند تعادل این نظام را برهم زند و سلامت روانی فرزندان، به‌ویژه دختران نوجوان را تحت‌تأثیر قرار دهد. نظریهٔ دلبستگی[1] نخستین‌بار توسط جان بالبی مطرح شد. این نظریه نشان داد رابطهٔ ایمن با والدین، بنیان سلامت روان فرد را شکل می‌دهد (۱). مدل فشار خانواده تأکید دارد فشارهای اقتصادی و عاطفی ناشی‌از طلاق می‌تواند الگوی فرزندپروری را مختل کند و سلامت روان نوجوانان را درمعرض خطر قرار دهد (۲). نظریهٔ امنیت هیجانی[2] مشخص کرد درگیری والدین، با کاهش خودتنظیمی هیجانی[3] و افزایش افسردگی[4] در دختران نوجوان مرتبط است (۳).

طلاق والدین باعث ایجاد تغییرات شخصیتی در فرزندان می‌شود و گرایش به درون‌گرایی و گوشه‌گیری و انزوا را افزایش می‌دهد. این تغییرات ممکن است مانع برقراری ارتباط مؤثر نوجوان با دیگران شود (۴). یکی از اولویت‌های مهم جوامع امروزی، تربیت فرزندانی سالم ازنظر جسمی و روانی است. حفظ سلامت جسمی و روانی کودکان و نوجوانان برای هدایت توانایی‌های بالقوهٔ آن‌ها به‌سمت رشد و سازندگی ضروری است. شناخت دقیق ابعاد جسمی و روانی فرزندان و فراهم‌کردن شرایط مادی و معنوی مناسب برای رشد بدنی و عاطفی و فکری آنان اهمیت زیادی دارد (۵)؛ لذا شناسایی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری شخصیت و آیندهٔ فرزندان بسیار مهم است و دراین‌بین خانواده نقش اساسی دارد. طلاق، فروپاشیدن و نابودی کانون گرم و آرام‌بخش زندگی است که اثرات مخربی بر اعضای خانواده می‌گذارد؛ آسیب‌هایی که می‌تواند تبعات آن تا سال‌ها ادامه یابد. فرزندان نوجوان در خانواده‌های طلاق، علاوه‌بر مشکلات ناشی‌از فروپاشی خانواده، با تحولات بلوغ و بحران هویت نیز دست‌وپنجه نرم می‌کنند؛ دراین‌میان دختران بیشتر از پسران به توجه و محبت و حمایت ویژه نیاز دارند. پژوهشی طولی نشان داد، بسیاری از اثرات منفی روانی طلاق والدین نظیر افسردگی و اضطراب و مشکل در عملکرد اجتماعی، نه‌تنها در کوتاه‌مدت بلکه تا سال‌های بزرگسالی نیز پایدار می‌ماند (۶). مطالعه‌ای دیگر مشخص کرد، طلاق والدین ممکن است موجب کاهش عزت‌نفس[5]، افت تحصیلی، اضطراب و اختلال در تنظیم هیجانات نوجوانان شود (۷). این نوجوانان عمدتاً احساس رهاشدگی و ناامنی عاطفی و نوعی سردرگمی در نقش‌های خانوادگی را تجربه می‌کنند (۸). بسیاری از مطالعات موجود معمولاً برپایهٔ سنجش متغیرهای کلی مانند افسردگی، اضطراب یا افت تحصیلی است؛ اما ابعاد ظریف و معنادار زندگی نوجوانان در بستر خانوادهٔ طلاق، اغلب در این پژوهش‌ها مغفول مانده است؛ ازاین‌رو، در پژوهش حاضر تلاش شد با رجوع به روایت‌های شخصی دختران نوجوان، تصویری واقعی‌تر از زندگی پس از طلاق ارائه شود. شناخت تجربه‌های آنان می‌تواند راهگشای تدوین مداخلات حمایتی مؤثر برای کاهش آسیب‌های ناشی‌از طلاق باشد؛ بنابراین، مطالعهٔ حاضر باهدف واکاوی تجارب زیستهٔ دختران نوجوان در خانواده‌های طلاق شهر یزد انجام شد.

۲ روش‌بررسی

روش پژوهش حاضر، کیفی از نوع پدیدارشناسی توصیفی بود. جامعهٔ آماری پژوهش را تمامی نوجوانان دختر دارای تجربهٔ طلاق والدین در شهر یزد تشکیل دادند. حجم نمونه در حین کار مشخص شد. دختران نوجوان ساکن شهر یزد با تجربهٔ طلاق والدین، به‌روش نمونه‌گیری هدفمند و با درنظرگرفتن اصل اشباع انتخاب شدند. معیارهای ورود شرکت‌کنندگان به پژوهش عبارت بود از: حداقل سابقهٔ تجربهٔ سه سال طلاق والدین؛ قرارداشتن در دامنهٔ سنی ۱۳تا۱۵ سال؛ دانش‌آموز متوسطهٔ اول بودن؛ تمایل به شرکت در پژوهش. از معیارهای خروج شرکت‌کنندگان از پژوهش، تمایل‌نداشتن به شرکت در پژوهش بود. برای جمع‌آوری اطلاعات، مصاحبهٔ نیمه‌ساختاریافته به‌کار رفت. مصاحبه‌ها در اتاق مشاورهٔ مدرسه انجام شد. زمان تقریبی مصاحبه‌ها بین ۳۰تا۵۰ دقیقه متغیر بود. برای انجام مصاحبه‌ها ابتدا سؤال اصلی پژوهش و تعدادی سؤال کلی مطرح شد و در خلال پاسخ به این سؤالات، سؤالات جدید تولید و پرسیده شد و پژوهش با شانزده نوجوان به‌اشباع رسید. نوجوانان از بین فرزندان طلاق مدارس انتخاب شدند و پس از بیان اهداف پژوهش و اخذ رضایت‌نامهٔ کتبی از آن‌ها، با حفظ حریم شخصی و اصل رازداری مصاحبه‌ها صورت گرفت. مطالعهٔ کنونی دارای کد اخلاق به‌شمارهٔ ثبتی IR.IAU.YAZD.REC.1403.079 در کمیتهٔ اخلاق دانشگاه آزاد اسلامی یزد است.

داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها با استفاده از روش هفت‌مرحله‌ای کلایزی تحلیل شد که مراحل آن به‌شرح زیر بود: مرحلهٔ اول مطالعهٔ مکرر داده‌ها: پژوهشگر چندین‌بار متن مصاحبه‌ها را مطالعه کرد تا درک جامعی از تجربهٔ شرکت‌کنندگان به‌دست آورد؛ مرحلهٔ دوم استخراج عبارات معنادار: جملات و عبارات مرتبط با پدیدهٔ مطالعه‌شده شناسایی و جدا شد؛ مرحلهٔ سوم تعیین معانی اساسی: معانی هر عبارت معنادار به زبان پژوهشگر بازنویسی و مفهوم‌سازی شد؛ مرحلهٔ چهارم دسته‌بندی معانی در مضامین: گروه‌بندی معانی مشابه در طبقات یا مضامین فرعی و سپس در مضامین اصلی صورت گرفت؛ مرحلهٔ پنجم تدوین توصیف جامع: توصیفی کامل و منسجم از تجربهٔ پدیده براساس مضامین استخراج‌شده تهیه شد؛ مرحلهٔ ششم ارائهٔ توصیف بنیادی: تبدیل توصیف جامع به بیانی بنیادی و کلی از ماهیت پدیده صورت گرفت؛ مرحلهٔ هفتم اعتبارسنجی یافته‌ها: توصیف نهایی برای شرکت‌کنندگان ارسال و تأیید آن‌ها به‌منظور اطمینان از صحت و دقت نتایج اخذ شد (۹).

به‌منظور اعتبار داده‌ها، چهار معیار اعتبارپذیری، قابلیت اطمینان، تأییدپذیری و انتقال‌پذیری به‌کار رفت. برای اعتبارپذیری پس از انجام مصاحبه و کدگذاری داده‌ها، برداشت پژوهشگر با شرکت‌کنندگان بازبینی و تأیید شد و رفع ابهامات احتمالی صورت گرفت. برای تأمین

[1]. Attachment Theory
[2]. Emotional Security Theory
[3]. Emotional self-regulation
[4]. Depression
[5]. Self-esteem

تأییدپذیری، فرایند پرانتزگذاری برای جلوگیری از ورود پیش‌فرض‌های پژوهشگر اعمال شد. برای تضمین قابلیت اطمینان، متن مصاحبه‌ها توسط پنج متخصص حوزهٔ مشاورهٔ خانواده هدف بازبینی قرار گرفت. به‌منظور انتقال‌پذیری، توصیف دقیق فرایند پژوهش در نظر گرفته شد. همچنین درگیری طولانی‌مدت پژوهشگر به‌عنوان مشاور مدرسه با فرزندان طلاق، به اعتبار یافته‌ها کمک کرد.

۳ یافته‌ها

در جدول ۱ اطلاعات جمعیت‌شناختی افراد نمونه آورده شده است. نمونهٔ پژوهش شامل شانزده دختر نوجوان مقطع متوسطهٔ اول، با دامنهٔ سنی ۱۳تا۱۵ سال بود. مشخص شد، هفت نفر از آن‌ها با پدر و نُه نفر با مادر زندگی می‌کنند.

جدول ۱. اطلاعات جمعیت‌شناختی

کد	والد سرپرست	تعداد فرزندان	مدت طلاق والدین	سن
۱	پدر	۲	۳ سال	۱۵
۲	مادر	۱	۸ سال	۱۵
۳	مادر	۱	۴ سال	۱۳
۴	مادر	۱	۶ سال	۱۳
۵	پدر	۲	۳ سال	۱۵
۶	پدر	۱	۷ سال	۱۵
۷	پدر	۱	۴ سال	۱۴
۸	مادر	۱	۸ سال	۱۵
۹	مادر	۲	۶ سال	۱۵
۱۰	پدر	۲	۵ سال	۱۳
۱۱	مادر	۱	۴ سال	۱۳
۱۲	مادر	۱	۵ سال	۱۳
۱۳	مادر	۱	۶ سال	۱۳
۱۴	مادر	۱	۴ سال	۱۴
۱۵	پدر	۲	۵ سال	۱۵
۱۶	پدر	۱	۶ سال	۱۴

جدول ۲. خلاصهٔ یافته‌های مستخرج از مصاحبه‌های کیفی

گزاره‌ها	مفاهیم مستخرج	مضامین فرعی	مضامین اصلی
«نمی‌دونم کی هستم چه‌کار دارم؟ تو این اوضاع خانواده‌مون هم ازهم پاشیده.» (۲)[1]	سردرگمی هویتی (۵)[2]	شناختی	چالش‌های درون‌فردی
«اعتمادبه‌نفس تو جمع رفتن رو ندارم.» (۹) «همه از من بدشون میاد.» (۸)	اعتمادبه‌نفس و عزت‌نفس ضعیف (۶)		
«اتفاقای قبل از طلاق ناراحتم می‌کنه، اون بی‌حرمتی‌ها نباید جلوی من زده می‌شد.» (۵)	نشخوار فکری (۵)		
«خجالت می‌کشم فرزند طلاقم.» (۴)	احساس شرم (۵)	هیجانی	
«اگر من نبودم مامانم زندگی بهتری داشت.» (۱۰)	احساس گناه (۸)		
«از بابام متنفرم و هیچ‌وقت نمی‌بخشمش.» (۱۵)	کینه نسبت به والد غایب (۴)		
«بیشتر وقتا تنها هستم.» (۱۰)	احساس تنهایی (۸)		
«هرکسی بهم محبت کنه جذبش می‌شم. هرکسی می‌خواد باشه.» (۲)	احساس خلأ عاطفی (۹)		
«چون نیاز به محبت داشتم وارد رابطهٔ نادرست با یک پسر شدم.» (۱۳)	ارتباط با جنس مخالف (۵)	رفتاری	
«باید خودم غذا درست کنم.» (۱)	به‌عهده گرفتن نقش‌های نامتناسب با سن (۵)		
«وقتی بین بابا و مامانم بحثی می‌شه، نمی‌دونم حق رو به کی بدم.» (۱۶)	سردرگمی در دعوای والدین (۴)	والدین	چالش‌های بین‌فردی

[1]. اعداد این ستون نشان‌دهندهٔ کد شرکت‌کنندگان در پژوهش است.

[2]. اعداد این ستون فراوانی هر مفهوم را نشان می‌دهد.

		بی‌توجهی والدین به سرنوشت فرزندان (۵)	«بابام نیست. مامانم هم براش مهم نیست چه رشته‌ای برم.» (۷)
		کاهش نظارت والدین (۹)	«بابام بیشتر وقتا سر کاره راحت می‌تونم هرجا می‌خوام برم.» (۱۲)
	اقوام	دخالت اطرافیان نزدیک (۵)	«خاله‌هام همش در رابطهٔ من و مامانم دخالت می‌کنند.» (۵)
		ازدست‌دادن برخی شبکه‌های روابط اجتماعی (۶)	«بعد از طلاق دیگه با فامیلای خانوادهٔ مامانم ارتباطی نداریم.» (۹)
	دوستان	اشکال در ایجاد روابط پایدار با دوستان (۴)	«هر بار با یک اکیپ جدید دوست می‌شم؛ ولی خیلی دوام نداره.» (۱۴)
		نداشتن دوست صمیمی (۵)	«هیچ‌کسی با من صمیمی نیست.»
چالش‌های اقتصادی	مشکل مالی	ازدست‌دادن حامی مالی (۵)	«بابام که رفته، مامانم هم پولی که خرج می‌کنه منت می‌زاره.» (۶)
		فشار مالی بر فرزندان (۴)	«برای خرید هر چیزی نیاز دارم، خودم باید پول دربیارم.» (۱)
	داشتن شغل	انجام‌دادن کار خارج از منزل (۶)	«مامانم از پس همهٔ مخارج بر نمیاد. خودم، باید بیرون کار کنم.» (۱۵)

در جدول ۲ خلاصهٔ یافته‌های پژوهش آورده شده است. از تجزیه‌وتحلیل داده‌ها بیست مفهوم مستخرج به‌دست آمد. این مفاهیم عبارت بود از: سردرگمی هویتی؛ اعتمادبه‌نفس و عزت‌نفس ضعیف؛ نشخوار فکری؛ احساس شرم؛ احساس گناه؛ کینه نسبت به والد غایب؛ احساس تنهایی، احساس خلأ عاطفی؛ ارتباط با جنس مخالف؛ به‌عهده گرفتن نقش‌های نامتناسب با سن؛ سردرگمی در دعوای والدین؛ بی‌توجهی والدین به سرنوشت فرزندان؛ کاهش نظارت والدین؛ دخالت اطرافیان نزدیک؛ ازدست‌دادن برخی شبکه‌های روابط اجتماعی؛ اشکال در ایجاد روابط پایدار با دوستان؛ نداشتن دوست صمیمی؛ ازدست‌دادن حامی مالی؛ فشار مالی بر فرزندان؛ انجام‌دادن کار خارج از منزل. از بین این مفاهیم، بیشترین تکرار در مفاهیم کاهش نظارت والدین و خلأ عاطفی با نُه تکرار و احساس تنهایی و احساس گناه با هشت تکرار گزارش شد. از کنارهم قرارگرفتن بیست مفهوم مستخرج، هشت مضمون فرعی شناختی، هیجانی، رفتاری، ارتباط با خانواده، فامیل، دوستان، مشکل مالی و داشتن شغل به‌دست آمد. درنهایت سه مضمون اصلی چالش‌های درون‌فردی و چالش‌های بین‌فردی و چالش‌های اقتصادی حاصل شد.

۴ بحث

پژوهش حاضر باهدف واکاوی تجارب زیستهٔ دختران نوجوان در خانواده‌های طلاق شهر یزد انجام گرفت. یافته‌ها مشخص کرد، این دختران با سه حوزهٔ چالش‌های درون‌فردی (جنبه‌های شناختی، هیجانی، رفتاری) و چالش‌های بین‌فردی (در ارتباط با خانواده، فامیل، دوستان) و چالش‌های اقتصادی (مشکل مالی، داشتن شغل) مواجه می‌شوند. چالش‌های حوزهٔ شناختی نشان داد، دختران نوجوانی که تجربهٔ طلاق والدین را داشتند، به‌شکل درخورتوجهی با نشخوار فکری و سردرگمی هویتی و اعتمادبه‌نفس ضعیف روبه‌رو هستند. تجربهٔ طلاق والدین می‌تواند سبب بروز احساسات و نگرش‌های منفی در نوجوانان درقبال خود و دیگران و جهان اطراف شود. یافته‌های کنونی با پژوهش ژائو و همکاران همخوان است. مطالعهٔ آن‌ها با استفاده از مدل واسطه‌ای ـ معتدل‌کننده نشان داد طلاق والدین، اتفاقات منفی زندگی و اعتمادبه‌نفس ضعیف را تقویت می‌کند؛ طلاق باعث می‌شود نوجوانان تحت‌تأثیر تجربیات منفی، عزت‌نفس کمتری داشته باشند و درنتیجه افکار منفی تشدید شود؛ این چرخه درنهایت به افسردگی منجر می‌شود (۱۰). در مطالعهٔ طولی تولیوس و همکاران مشخص شد، پس از طلاق والدین، مشکلات درونی‌سازی‌شده مانند افسردگی و اضطراب در نوجوانان به‌طور معناداری افزایش پیدا می‌کند و این تأثیر به‌مرورزمان تداوم می‌یابد؛ درحالی‌که پیش از طلاق چنین افزایشی دیده نمی‌شود. مشکلات مذکور می‌تواند سبب اختلال در تمرکز و سردرگمی هویتی و افت عزت‌نفس در دختران نوجوان شود (۱۱).

چالش‌های هیجانی نشان داد، دختران نوجوان پس از تجربهٔ طلاق والدین با هیجانات منفی مختلفی نظیر شرم و احساس گناه و تنهایی مواجه می‌شوند. از دلایل تجربهٔ این احساسات منفی می‌توان به نادیده‌گرفته‌شدن ازسمت والدین، ناامیدی از داشتن ارتباطات مثبت خانوادگی، نبود حمایت کافی ازسمت والدین و نگرش منفی اجتماعی اشاره کرد. یافته‌های کنونی با پژوهش جعفرزاده و همکاران همخوان است. آن‌ها دریافتند، احساس گناه حاصل از طلاق والدین، موجب فشار روانی و کاهش عزت‌نفس و افزایش اضطراب و افسردگی در فرزندان طلاق می‌شود (۱۲). این احساس گناه را می‌توان عاملی به‌منظور پیدایش مشکلات عاطفی متعددی برای فرزندان دانست (۱۳). یافته‌های پژوهش نیکولوا و چن مشخص کرد، اگرچه نوجوانان هیجانات منفی را تجربه می‌کنند، آن‌ها صرفاً قربانی هیجانات منفی نیستند؛ بلکه در فرایند معناسازی تجربهٔ‌شان فعالانه مشارکت دارند. بررسی هیجانات منفی نباید تنها بر نقاط ضعف و آسیب‌ها تمرکز کند؛ بلکه باید نقش فعال نوجوانان در مواجهه با این هیجانات و بازسازی مسیر زندگی‌شان نیز مدنظر قرار گیرد (۱۴).

در حوزهٔ رفتاری یافته‌ها نشان داد، طلاق والدین منجربه افت تحصیلی و تغییر در اولویت‌های تحصیلی نوجوانان می‌شود. نتایج کنونی با پژوهش رئیسی سرتشنیزی همخوانی دارد (۱۵). بعد از طلاق والدین،

فرزندان پیوند خود را با والدین از دست می‌دهند؛ این عامل باعث می‌شود درک آن‌ها از تنهایی تشدید شود و بر عملکردهای اجتماعی و تحصیلی آن‌ها تأثیر منفی بگذارد (۱۶).

یافته‌های پژوهش حاضر در حوزهٔ چالش‌های میان‌فردی با پژوهش زارعین و همکاران مبنی‌بر تأکید بر شرمندگی از وضعیت خانوادگی و دشواری در تفسیر رفتارهای اطرافیان به‌ویژه ازسوی والدین و بستگان و دوستان، همخوان است؛ به‌علاوه در این پژوهش مشخص شد، پس از طلاق والدین، نقش‌ها و قواعد خانوادگی تغییر می‌کند (۱۷). همچنین یافته‌ها با پژوهش ریچاردسون و مک‌کیب همخوان است. آن‌ها دریافتند، فرزندان طلاق مشکلات اجتماعی و تعارضات اجتماعی زیادی را تجربه می‌کنند (۱۸).

خانواده‌های تک‌والدی که در آن‌ها مادران حضانت فرزندان را بر عهده گرفته‌اند، بار مالی سنگینی را بر دوش می‌کشند و به‌سختی می‌توانند نیازهای مالی فرزندان خود را تأمین کنند. نوجوان برای کمک به وضعیت اقتصادی مجبور می‌شود بیرون کار کند یا به‌دنبال شغل باشد. یافته‌های پژوهش حاضر در حوزهٔ چالش‌های اقتصادی با پژوهش خجسته‌مهر و همکاران همخوان است. آن‌ها نشان دادند، طلاق والدین می‌تواند به بروز مشکلات اقتصادی، رفتاری، انزوای اجتماعی، افت تحصیلی، آسیب‌های روانی و تنش در رابطه با والدین منجر شود (۱۹).

از محدودیت‌های پژوهش حاضر سختی در پیداکردن نوجوانان با شرایط متجانس‌تر (زندگی با پدر یا زندگی با مادر) بود. در پژوهش کنونی به‌طورکلی، بیان تجربهٔ زیسته و چالش‌های دختران نوجوان با تجربهٔ طلاق والدین صورت گرفت. پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی به‌طور اختصاصی به هریک از چالش‌ها پرداخته شود و بسته‌های حمایتی تدوین شود.

از فواید کاربردی یافته‌های پژوهش حاضر، طبقه‌بندی و تبیین دقیق و منسجم چالش‌های دختران نوجوان بود که می‌تواند مبنای پژوهش‌های آتی به‌منظور بررسی مفصل‌تر هر چالش و تدوین بسته‌های حمایتی برای توانمندسازی این قشر باشد.

۵ نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر به واکاوی تجارب زیستهٔ دختران نوجوان در خانواده‌های طلاق شهر یزد پرداخت. نتایج تحلیل مصاحبه‌ها به استخراج بیست مفهوم و سه مضمون اصلی و هشت مضمون فرعی منجر شد. نتایج مشخص کرد، دختران نوجوان در خانواده‌های طلاق با چالش‌های متعددی در سه حوزهٔ اصلی چالش‌های درون‌فردی (شناختی، هیجانی، رفتاری) و چالش‌های بین‌فردی (ارتباط با خانواده، فامیل، دوستان) و چالش‌های اقتصادی (مشکل مالی، داشتن شغل) مواجه هستند. شناخت و آگاهی از چالش‌های مذکور مداخله و توانمندسازی این قشر آسیب‌پذیر را تسهیل می‌کند.

۶ بیانیه‌ها

تأییدیهٔ اخلاقی و رضایت‌نامه از شرکت‌کنندگان

در این پژوهش رضایت‌نامهٔ کتبی از شرکت‌کنندگان اخذ شد و حفظ حریم شخصی و اصل رازداری رعایت شد. مطالعهٔ کنونی دارای کد اخلاق به‌شمارهٔ ثبتی IR.IAU.YAZD.REC.1403.079 در کمیتهٔ اخلاق دانشگاه آزاد اسلامی یزد است.

رضایت برای انتشار

این امر اجرایی نیست.

تضاد منافع

منابع مالی پژوهش از منابع شخصی تأمین شده است.

منابع مالی

اعتبار برای مطالعهٔ گزارش‌شده از منابع شخصی تأمین شده است.

مشارکت نویسندگان

پژوهش حاضر برگرفته از رسالهٔ دکتری نویسندهٔ اول است که با راهنمایی اساتید راهنما و مشاور انجام گرفت. همهٔ نویسندگان سهم یکسانی در تهیهٔ پیش‌نویس مقاله و بازبینی و اصلاح مقاله برعهده داشتند.

References

1. Bowlby J. Attachment and loss. Vol. 1. Attachment. New York: Basic Books; 1969.
2. Conger RD, Donnellan MB. An interactionist perspective on the socioeconomic context of human development. Annu Rev Psychol. 2007;58(1):175–99. https://doi.org/10.1146/annurev.psych.58.110405.085551
3. Cummings EM, Koss KJ, Davies PT. Prospective relations between family conflict and adolescent maladjustment: security in the family system as a mediating process. J Abnorm Child Psychol. 2015;43(3):503–15. https://doi.org/10.1007/s10802-014-9926-1
4. Xu J. When marriage falls: how does parental divorce affect teenagers interpersonal development? In: 8th International Conference on Humanities and Social Science Research [Internet]. 2022. https://doi.org/10.2991/assehr.k.220504.386
5. Yeganeh T, Hosseini Khanzadeh A. Comparative study of behavioral problems of athlete and non-athlete children. Scientific Journal of Kurdistan University of Medical Sciences. 2012;17(4):17–29. [Persian] https://sjku.muk.ac.ir/article-1-920-en.html
6. Huurre T, Junkkari H, Aro H. Long-term psychosocial effects of parental divorce: a follow-up study from adolescence to adulthood. Eur Arch Psychiatry Clin Neurosci. 2006;256(4):256-63. https://doi.org/10.1007/s00406-006-0641-y
7. Afifi TD, Granger DA, Joseph A, Denes A, Aldeis D. The Influence of divorce and parents' communication skills on adolescents' and young adults' stress reactivity and recovery. Communication Research. 2015;42(7):1009–42. https://doi.org/10.1177/0093650213509665

8. Tabatabaei FS, Farahbakhsh K, Fallah MH, Afshani SA. Components of adolescents' lived experiences after their parents' divorce: a qualitative study. Toloo-e-Behdasht Journal. 2024;23(1):51–66. [Persian] http://dx.doi.org/10.18502/tbj.v23i1.15523
9. Morrow R, Rodriguez A, King N. Colaizzi's descriptive phenomenological method. The Psychologist. 2015;28(8):643–4. https://doi.org/10.1016/j.jcin.2015.03.004
10. Zhao SY, Ren RR, Chen W. A mediated moderation model of negative life events, self-esteem, rumination and parental divorce on depression among Chinese juvenile delinquents. Sci Rep. 2023;13(1):1793. https://doi.org/10.1038/s41598-023-28626-9
11. Tullius JM, De Kroon MLA, Almansa J, Reijneveld SA. Adolescents' mental health problems increase after parental divorce, not before, and persist until adulthood: a longitudinal TRAILS study. Eur Child Adolesc Psychiatry. 2022;31(6):969–78. https://doi.org/10.1007/s00787-020-01715-0
12. Jafarzadeh D, Shariatmadar A, Gara-Daghi A. Describing children's lived experiences of parents with emotional divorce. Strategic Research on Social Problems in Iran. 2022;10(4):117–40. [Persian] https://ssoss.ui.ac.ir/article_26542.html?lang=en
13. Kalmijn M. Guilt in adult mother–child relationships: connections to intergenerational ambivalence and support. J Gerontol B Psychol Sci Soc Sci. 2018;75(4):879–88. https://doi.org/10.1093/geronb/gby077
14. Nikolova M, Chen D. Meaning-making processes in adolescents after experiencing parental divorce. Journal of Adolescent and Youth Psychological Studies. 2025;6(1):127–35. https://doi.org/10.61838/kman.jayps.6.1.14
15. Reisi Sarteshneizy M. Young people lived experience of parental divorce with an emphasis on educational consequences. Journal of Adolescent and Youth Psychological Studies. 2023;4(8):11–8. https://doi.org/10.61838/kman.jayps.4.8.2
16. Ramezanzadeh S, Etemadi O, Asanjarani F. A constructivist grounded study on children's perception of loneliness after parental divorce. Qualitative Research Journal. 2022;22(4):464–77. https://doi.org/10.1108/QRJ-02-2022-0027
17. Zarein F, Sedrpoushan N, Bidaki R, Fallah Yakhdani M. Analyzing the lived experiences of teenage girls with the experience of parental divorce: a phenomenological research. Journal of Rafsanjan University of Medical Sciences. 2024;23(6):524–40. [Persian] http://dx.doi.org/10.61186/jrums.23.6.524
18. Richardson S, McCabe MP. Parental divorce during adolescence and adjustment in early adulthood. Adolescence. 2001;36(143):467–89.
19. Khajeshtemehr R, Mombeini J, Aslani Kh. Comparison of attitudes toward marriage and divorce and peer attachment in high school boys from normal and divorced families. Journal of School Psychology and Institution. 2014;2(3):57–75. [Persian] https://jsp.uma.ac.ir/article_72.html?lang=en